



سبک رهبری نظام تشیع در عصر امام باقر(ع)

نرجس عبدیایی*

چکیده

در نوع رهبری امام باقر(ع) تمام شاخصه‌های ذاتی و اکتسابی ایشان، سبک‌های رهبری آمرانه، مشارکتی، متقاعدکننده و تفویضی به گونه‌ای منظم دخیل است. علاوه بر آن، موقعیت درون سیستم رهبری شونده یعنی تشیع، بر نوع رهبری امام باقر(ع) تأثیر داشته است. در این نوع رهبری علاوه بر نقاط مشترک، شاخصه‌های متمایزی از سبک رهبری ایشان با الگوهای نظری مطرح نیز وجود دارد. این شاخصه‌ها در برخی ویژگی‌های شخصیتی نظیر علم و عصمت، خط‌مشی‌ها و اصول حاکم بر سبک‌های آمرانه و تفویضی رهبری ایشان، در توجه به موقعیت بیرون از سیستم تشیع، علاوه بر وضعیت درون نظام رهبری حضرت و... قابل بررسی است. گویا وجود این شاخصه‌های متمایز در اصول رهبری و مواردی از جزئیات، به تفاوت دو مفهوم یا واژه «رهبری» و «ولایت» مرتبط است.

کلید واژه‌ها: امام باقر(ع)، نظام تشیع، سبک آمرانه، سبک تفویضی، سبک مشارکتی، سبک متقاعد کننده، موقعیت.

مقدمه

اگر چه مسأله دوران رهبری سیاسی ائمه معصومین(ع)، زیر غباری از شایعات اموی و عباسی پوشیده ماند اما هرگز اهمیت و ضرورت آن نوع رهبری در آثار و احوال امامان شیعه مخفی نبود. بررسی شیوه رهبری امام باقر (ع) می‌تواند پاسخگوی بخشی از شبهات و نارسایی‌های تبیینی مرتبط با آن عصر و راه‌گشای برخی نیازهای علمی در عصر حاضر باشد. این پژوهش بر آن است که آغازی برای بهره‌مندی از چگونگی و شیوه رهبری امام باقر (ع) در نظام تشیع باشد.

سوال اصلی تحقیق آن است که امام باقر(ع) به چه شیوه‌ای جامعه تشیع را رهبری کردند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که امام باقر(ع) از طریق صفات شخصی خود و با توجه به خصوصیات خُلقی شیعیان و موقعیت خاص تشیع در آن عصر؛ رهبری نظام تشیع را اعمال می‌کردند.

شیوه رهبری امام باقر(ع) دارای مبانی، اصول و اهداف ویژه‌ای است که تحلیل آن در نحوه هدایت جامعه تشیع از زوایای مختلفی قابل پی‌گیری است. نوشتار حاضر، این موضوع را در سه عنوان سازماندهی نموده است: ۱) صفات شخصیتی امام باقر(ع) و نقش آن در شیوه رهبری جامعه تشیع ۲) شاخصه‌های اخلاقی شیعیان در آن عصر و نقش آن در شیوه رهبری نظام تشیع ۳) اوضاع سیاسی- اجتماعی جامعه شیعه و نقش آن در شیوه رهبری امام باقر(ع). اما پیش از تبیین آنها، ارائه چارچوب تحلیلی برای ورود به بحث اصلی لازم به نظر می‌رسد.

الف) چارچوب تحلیلی

دانشمندان برای تبیین شیوه رهبری بهینه در یک نظام قاعده‌مند و علل و عوامل مؤثر بر آن، تلاش‌های زیادی کرده‌اند. آنچه تا کنون از حاصل تئوری‌های نظری در این رابطه بدست آمده و می‌تواند در بررسی مسأله پژوهشی پیش‌رو کارآیی داشته باشد، تحت عنوان زیر بررسی می‌شود:

۱. نظریه‌های معطوف به خصوصیات جسمی و فکری رهبری

برخی از نظریه‌پردازان در بررسی شیوه‌ها و علل رهبری بهینه، آن را در چارچوب خصوصیات شخصیتی شخص رهبر مطرح می‌نمایند. از نظر افرادی چون رالف استاگدین؛ صفات رهبری نظیر قد، وزن، سلامتی مزاج و قیافه، از ویژگی‌های جسمانی مساعد برای رهبری مطلوب و

کارآمد است. همچنین رهبر باید صفاتی چون اعتماد به نفس، اخلاق اجتماعی، اراده قوی، تفوق (تمایل به قدرت و تسلط بر دیگران) و تموج شخصیت (نشاط، خوشرویی، پرحرفی، ابتکار، قدرت، بیان و...) را به میزان لازم در خود نهادینه کرده باشد (اقتداری، ۱۳۳۷، ۲۳۷-۲۳۴).

نظریه‌های رفتار رهبری نیز در این مجموعه دیدگاه‌ها جای می‌گیرد. در این تئوری‌ها تلاش بر این است که مشخص شود رهبران موفق چه کارهایی انجام می‌دهند که خود شامل دو رهیافت رفتاری عمده می‌شود:

۱- رفتارهای کارگرا؛ که در آن وظیفه‌مداری و تأکید بر قانون و ضابطه در رفتارهای رهبر موفق، اصل است.

۲- رفتارهای مردم‌گرا؛ که در آن ملاحظات زیردستان بر اساس روابط انسانی بیشتر مورد توجه رهبر قرار می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۷۹، ۲۱۹).

در واقع نگرش رهبری در مورد منشاء قدرتش است که موجب شیوه رفتار و نوع تفکر او می‌شود، این‌که آیا به عنوان یک مقام رسمی قدرتش همواره محفوظ است یا نیاز به حمایت پیروان خود در حفظ قدرت دارد (همان).

اگر بخواهیم فقط از این چارچوب در بررسی شیوه رهبری امام باقر (ع) استفاده کنیم، تنها صفات ذاتی و اکتسابی امام باقر (ع) و رفتارهای ناشی از آن، در نوع رهبری حضرت مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. نظریه‌های معطوف بر موقعیت رهبری

این نظریه‌ها به موقعیت و فضای خاصی که شخصیت رهبری در آن شکل می‌گیرد و نقش آن در بررسی علل و شیوه رهبری بهینه، توجه دارد. موقعیتی که فقط به وضعیت درونی سیستم رهبری مرتبط می‌شود، نه محیط بیرونی آن؛ و لذا اختلاف در چگونگی رهبری هم از این منظر با بررسی متغیرهای متعددی چون محیط سیاسی و اجتماعی درون سیستم، نوع کار و موضوع رهبری و کلیه عوامل درونی مؤثر در نحوه رفتار و روابط متقابل افراد، از جمله رهبر و پیروانش ارزیابی می‌شود (اقتداری، ۸-۲۳۷).

اگر از این منظر بخواهیم رهبری امام باقر(ع) را تحلیل کنیم تنها به نظام مورد رهبری حضرت یعنی وضعیت نظام تشیع در آن عصر و موقعیت سیاسی اجتماعی شیعیان پرداخته می‌شود.

۳. نظریه‌های معطوف به سه عنصر رهبری، موقعیت و خصوصیات خلقی پیروان

برخی از دانشمندان دو عامل یاد شده را می‌پذیرند اما کافی نمی‌دانند. به نظر آنها علاوه بر آن دو، خصوصیات فردی و گروهی کسانی که رهبری در میان آنها صورت می‌گیرد نقش مهمی در تبیین رهبری بهینه و شیوه‌های آن دارد. لذا طرز تفکر، نوع انگیزه و شخصیت افرادی که تحت رهبری قرار می‌گیرند عامل مؤثری است که نباید از آن غفلت کرد. به نظر این گروه تدوین نظریه جامع رهبری بدون بررسی توأم این سه عامل امکان‌پذیر نیست: ۱- صفات شخصی رهبر ۲- خصوصیات خلقی پیرو و سایر افراد گروه ۳- موقعیت خاص رهبری که در آن روابط متقابل میان رهبری و سایر افراد گروه شکل می‌گیرد (همان، ۲۳۹). تانن بام و اشمیت (۱۹۸۶م) از جمله طرفداران این دیدگاه هستند. به نظر آنها بهترین راه رهبری و هدایت وجود ندارد بلکه شرایط متفاوت، شیوه‌های مختلف رهبری را طلب می‌کند و لذا در تعیین شیوه رهبری مناسب، رهبر نه تنها باید استعدادهای درونی خود، بلکه زیردستان و موقعیت را نیز مد نظر قرار دهد (خورشیدی، ۱۳۸۲، ۱۶۳).

۴. سیستم سیاسی

برای فهم وضعیت یا پدیده‌ای سیاسی می‌توان آن را در درون یک نظام سیاسی منسجم و مرتبط قرار داد و با تجسم اجزای مختلف و نظام‌مند، پدیده مد نظر را در درون آن تحلیل نمود. مسأله اصلی در شیوه تحلیل سیستمی شیوه تحکیم، استحکام، تحول یا زوال نظام سیاسی است (بشیریه، ۱۳۸۶، ۶۵). نظام سیاسی دارای اجزای متعددی است:

- ۱- ورودی‌ها یا داده‌های نظام که عبارتند از منابع ارزشی، منابع مالی، منابع انسانی و منابع اطلاعاتی آن نظام؛
- ۲- فرایند یا جریان عمل که به شیوه و مراحل جذب، نگهداری، بهسازی و آموزش در سازمان می‌پردازد؛
- ۳- خروجی‌ها یا ستاده که کالاهای به دست آمده از فرایند را در چهار حوزه منافع فردی و منافع نظام و منافع جامعه و منافع جهانی مورد دستیابی قرار می‌دهد؛
- ۴- بازخورد که به ستاده با داده بر اساس چهار عامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازد؛

۵- محیط که در این جا محدودیتی ندارد و همه عوامل خارج از نظام را که بر تمامی یا بخشی از نظام تأثیرات بالقوه دارد، در بر می‌گیرد (خورشیدی، ۱۳۸۲، ۲۹).
 تشیع در عصر اموی اگر چه بر مسند رسمی حکومت نبود اما به شکل نظام‌مند در جامعه حضور و فعالیت داشت. نظام تشیع مانند هر نظام دیگری از عناصری تشکیل شده که به گونه‌ای هدفمند با هم در ارتباطند:

(۱) ساختار اجتماعی تشیع که به روابط میان شیعیان اشاره دارد. یعنی ساختار هنجاری تشیع که به ارزش‌ها و هنجارها و انتظارات تشیع توجه دارد و ساختار رفتاری که به رفتار واقعی و کنش‌های متقابل میان شیعیان می‌پردازد؛

(۲) منابع انسانی که همان شیعیان هستند؛

(۳) محیط عنصر دیگر است که به ویژگی‌های خاص نظام تشیع اشاره دارد؛

(۴) هدف در نظام تشیع توسعه و تعمیق آموزه‌های ائمه معصومین و تحویل حکومت از موضع نایب آن به محل حق به زعامت امام باقر (ع) می‌باشد؛

(۵) تکنولوژی که به وضعیت علمی نظام تشیع عصر امام باقر(ع) می‌پردازد.

همچنین نظام تشیع دارای اجزایی است که در هر نظام هدفمند یافت می‌شود: داده‌های این نظام اعتقادات شیعیان، وضعیت مالی و امکانات رفاهی و اوضاع علمی آنها را تبیین و بررسی می‌نماید. فرایند عمل تشیع، جزء دیگری است که به چگونگی، مراحل، نوع جذب، نگهداری، آموزش و کاربرد همان داده‌ها جهت تحقق اهداف اشاره دارد. جزء دیگر، ستاده‌های نظام تشیع در آن عصر است که به آنچه در این نظام و از آن حاصل آمده، بهره‌وری‌های حاصل در سطوح فردی، داخلی نظام تشیع، جامعه و حتی در گستره جهانی می‌پردازد. جزء بعد بازخوردهای نظام است که در این نظام داده‌های مذکور با ستاده‌ها، بر اساس عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد تطابق و ارزیابی قرار می‌گیرد و عنصر آخر محیط می‌باشد، جزیی که خارج از سیستم است و اوضاع و احوال دوران نظام تشیع در عصر امام باقر(ع) را شامل می‌شود. محیط بیرونی نظام تشیع از لحاظ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی و نوع ارزش‌های حاکم، وضعیتی داشته که نظام تشیع از آن یا بخش‌هایی از آن نیز متأثر بوده است.

در این پژوهش مجال بررسی نگرش سیستمی یا پرداختن به تمام عناصر، ورودی‌ها و خروجی‌های نظام تشیع نیست. از طرفی قصد اصلی در اینجا پرداختن به شیوه رهبری امام باقر(ع) در نظام تشیع آن عصر است و لذا از موارد مذکور نه به گونه مجزا و مستقل که شرح نظام تشیع را در پی دارد، بلکه در راستای بررسی سؤال و فرضیه پژوهشی حاضر استفاده خواهد شد.

۵. تمایز رهبری اسلامی از دیگر گونه‌های رهبری

به طور واضح، رهبری در آموزه‌های اسلام خاصه آنچه که توسط امام معصوم صورت می‌گیرد با رهبری در موارد مذکور و امثال آن، تفاوت‌هایی اساسی دارد. لذا استفاده از چارچوب‌های ذکر شده به شرط توجه به آن شاخصه‌های خاص، قابلیت تبیین و کارایی را خواهد داشت. این شاخصه‌ها عبارتند از:

اهداف کلی اسلامی: اهداف تعیین شده توسط رهبر، تنها از اهداف و مصالح گروه تحت رهبری نشأت نمی‌گیرد بلکه در پرتو اهداف کلی اسلام شکل می‌گیرد.

وفاداری: رهبری اسلامی و پیروان او نسبت به خداوند متعال متعهد و وفادارند و تعهد آنها نسبت به یکدیگر هم در راستای وفای به عهد الهی بروز پیدا می‌کند.

التزام به شریعت و اخلاق اسلامی: رهبری اسلامی نمی‌تواند در موقعیتی برتر از التزام به اجرای واجبات و ترک محرّمات باشد. هرگونه تخلف از احکام شریعت او را از موضع رهبری به زیر می‌کشانند.

رهبری امانت الهی است و رهبری اختیارات خود را همانند امانتی از سوی خداوند اعمال می‌کند (هاشم الطالب، ۱۳۸۰، ۷۱).

ب) صفات شخصیتی امام باقر(ع) و نقش آن در شیوه رهبری جامعه تشیع

از لحاظ ظاهری ایشان دارای خصوصیات جسمی سالم و متناسب برای رهبری بودند. برای نمونه، جابر از رسول الله (ص) روایت می‌کند که امام باقر (ع)، نام و شکل و شمایلش همگون با پیامبر (ص) است (کلینی، ۱۳۸۸، باب مولد ابی جعفر، حدیث ۲). همچنین ابن شهر آشوب در مناقب آورده که: "امام پنجم معتدل القامه، دارای چهره‌ای جذاب و موهای مجعد رنگ گندمگون، خال هاشمی بر گونه و خال سرخ رنگ بر بدن سفید، مناسب الاعضاء، خوش صدا و گردن

سفید داشتند" (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲، ج ۴، ۲۲۷). اما سیرت یا خصال رفتاری ایشان مانند هر امام معصومی یکسری شاخصه‌هایی دارد که از وجوه مشترک و بسیار مؤثر در کیفیت رهبری این بزرگواران است. یکی از این شاخصه‌ها، عصمت رهبر است. وقتی رهبری از گناه و خطا در عقاید، فرامین و رفتار مرتبط با مسائل رهبری مصون باشد بی تردید از نظر هر تئوری‌پرداز عاقل و منصفی قابلیت و یژه‌ای برای رهبری خواهد داشت.

اگر چه برای برخی رهبری الهی به دلایلی غیر قابل فهم است اما عصمت امام ریشه در منشأ رهبری ایشان دارد و تعیین و تشخیص این شاخصه رهبری، تنها در جایگاه خداوند متعال است و از افعال الهی محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۲۵). پس رهبری و ولایت سیاسی مسلمانان از سوی خداوند منصوب می‌گردد و در این صورت نپذیرفتن امام منصوب از سوی خداوند، تبعاتی نظیر عدم قبولی اعتقاد به اسلام و حتی عدم قبولی مهم‌ترین عبادات را به همراه دارد. لذا در اصل صلاحیت و ضرورت رهبری امام باقر (ع) آنچه در سیستم تشیع نهادینه می‌شود، وجود رابطه‌ای طرفینی میان دو موضوع پذیرش رهبری سیاسی و اطاعت از خداوند است، سوی دیگر این رابطه آن است که کسی با عنوان رهبری نمی‌تواند معصیت خداوند را مرتکب شود (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۷۴).

شاخصه دیگر، علم لدنی امام باقر (ع) در مسائل مربوط به رهبری ایشان و گستره وسیع آن است. این علم تمام معارف دینی و نیازهای مردم و هر آنچه در امر تعلیم، تربیت، هدایت و اداره جوامع انسانی لازم است را شامل می‌شود (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۹، ۱۱۷) و لذا علوم مرتبط به کیفیت بهینه و کارآمد مدیریت و رهبری در نظام تشیع را نیز در بر می‌گیرد. علم امام باقر(ع) که خود ملقب به شکافنده علوم هستند، با منابعی نظیر آگاهی کامل از قرآن مجید، وراثت از پیامبر، ارتباط با فرشتگان، القای روح القدس و نور الهی پیوند می‌خورد (همان، ۱۳۴-۱۰۹).

همانطور که در تئوری‌های نقش شخصیتی رهبر مطرح شد، امام (ع) علاوه بر عصمت و علم لدنی دارای شاخصه‌های دیگری به صورت ذاتی یا اکتسابی نیز بوده که رهبری ایشان را از دیگران متمایز می‌کند. شجاعت، علاقه و دلسوزی نسبت به مردم، اخلاص، نیکوکاری و احسان درباره دیگران، نرمش، حسن خلق، امانت داری، صدق گفتار، پایبند بودن به پیمان‌ها، توکل مطلق بر خداوند و پیروزی بر آزمون‌های سخت از جمله این شاخصه‌هاست (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۹، ۱۵۸). خصائل

سه گانه امامت یعنی پارسایی که او را از حرام باز دارد، بردباری که با آن خشم خود را مهار کند و همچون پدری مهربان، خوش رفتاری با کسانی که بر آنها رهبری می‌کند از دیگر شاخصه‌های شخصیتی رهبری امام باقر(ع) است (کافی، ج ۱، ۲۸۵).

در تئوری‌های رفتار رهبری دانستیم که دو نوع رهبری، مردم‌گرا و قانون‌گرا وجود دارد اما شاخصه‌های رفتاری امام باقر(ع) در این نوع نظری رهبری چگونه است؟ اگر قانون به ضوابط تصویب شده توسط بشریت معنا شود که همین‌طور است، رفتار رهبری امام باقر(ع) نه فقط مردم‌گرا و نه تنها قانون‌گرا است بلکه رفتار رهبری ایشان بر اساس قانون الهی و آموزه‌های اسلام سازماندهی شده است که در آن هر دو نوع مردم‌گرایی و ضابطه‌مندی به میزان سفارش در اسلام و مورد نیاز نظام تشیع به کار برده می‌شود. آثار برجسته‌ای از نوع رهبری امام به واسطه صفات شخصیتی ایشان در سازماندهی نظام تشیع و پرورش نخبگان فرهنگی و اجتماعی نمایان شد که با دیگر شیوه‌های رهبری ایشان برای بنا و پرورش یک نظام فرهنگی - اجتماعی بهینه کامل گشت.

نمونه‌هایی از سبک رهبری امام باقر (ع)

۱- نمونه‌های سبک رهبری آمرانه امام باقر(ع) بیشتر در موافقی بروز می‌کند که هدایت نظام تشیع و افراد زیر مجموعه را از باب امر به واجبات و نهی از منکرات عهده دار می‌شوند. این نوع رهبری آمرانه، هر زمینه‌ای اعم از اعتقادی - معرفتی، سیاسی - حکومتی، مسائل اقتصادی و نظامی و فرهنگی را شامل می‌شود. ایشان در عرصه اقتصادی شیعیان را امر به زکات می‌کنند که ندادن آن به معنای عدم اقامه نماز است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳، ۵۰۶). از به دست آوردن مال از طریق ربا و دزدی بیت‌المال و خیانت به شدت نهی می‌کنند تا جایی که صدقه و حج با این اموال پذیرفته نخواهد شد (صدوق، امالی، ۱۴۱۴، ۳۵۹) و خطاهایی چون رشوه گرفتن در داوری را به منزله کفر به خدا و پیامبر دانسته و نظام تشیع را از ورود این منابع مالی پرهیز می‌دارند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ۲۶). ایشان در عین این که در رهبری سیاسی خود پیروان را امر به صدقه می‌کنند و آنرا موجب حفظ اموال از گزند حوادث و درمان بیماری‌ها می‌دانند (حر آملی، ۱۴۱۱، ج ۹، ۲۳۱) همین صدقه را بر صاحبان مشاغل و صاحبان جسم و عقل سالم در مجموعه نظام تشیع یا خارج از آن جایز نمی‌دانند (همان).

در عرصه علمی- عقیدتی نیز سبک رهبری امام باقر(ع) به گونه‌ای است که مردم نسبت به ضوابط الهی و ضرورت اطاعت از آن آگاه و عامل باشند. ایشان بازخورد و ارزیابی علمی نظام تشیع یا طریق تشخیص راه حق و قضاوت را مختص به آموزش از سوی اهل بیت می‌دانند (همان، ۳۹۲)؛ امر به مذاکره دانش با اهل دین و اهل ورع می‌نمایند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۴۱) و زکات دانش را آموزش آن به بندگان خدا معرفی می‌کنند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۴۱). از آموختن علم به خاطر فخر فروشی و مجادله با نادانان و جلب توجه مردم به شدت نهی می‌فرمایند (همان، ۴۷) و ضوابط علمی نظیر توقف در شبهات (همان، ۵۰) و تکلم در آنچه می‌دانیم و پرهیز از سخن در آنچه نمی‌دانیم (همان، ۴۳)، آموختن دانش به دیگران، عمل به دانش (همان، ۴۱) را در نظام تشیع به سبک آمرانه نهادینه و رهبری می‌کنند.

سبک رهبری امام باقر(ع) در باب اوامر و نواهی سیاسی در هاله‌ای از محدودیت‌های محیطی بود که بیشتر از خارج از نظام تشیع اعمال می‌شد. با این حال امام باقر(ع) در عرصه مسائل سیاسی نیز ضوابطی را برای شیعیان خود معین می‌نماید: ایشان رهبری گذشتگان و آیندگان را وظیفه اهل بیت عصمت می‌داند (خوارزمی، ۱۴۱۴، ج ۴، ۲۰۶) و حاکمان را به تقوای الهی امر می‌کند (تاریخ مختصر دمشق، ج ۲۳، ۷۷) و پیشوایان ستمگر و پیروان او را گمراه و دور از راه حق می‌داند. بدترین افراد در مکتب ایشان کسانی هستند که مردم از ترس به آنها احترام بگذارند (حر آملی، ۱۴۱۱، ج ۱۶، ۲۴). امام باقر (ع) رابطه میان حاکمان و مردم را از نوع رابطه میان پدر و فرزند معرفی می‌کند (مختصر تاریخ دمشق، ج ۲۳، ۷۷).

رهبری سیاسی امام باقر(ع) در نظام تشیع ضوابط اخلاقی را نیز در پی دارد. ایشان اخلاق خوب و نرم‌خویی با مردم را هم‌سنگ دریافت تمام خیر و خوبی معرفی می‌کند (حلیه الاولیاء، ج ۳، ۱۸۷) و شیعیانش را از عیب‌جویی و آزار مردم نهی می‌نمایند (تاریخ مختصر دمشق، ج ۲۳، ۸۶) و به ورع و حفظ زبان امر و از دست درازی به ناشایسته‌ها باز می‌دارند (تفسیر عیاشی، ج ۱، ۶۸).

در مثال‌های مذکور ایشان از باب خیرخواهی و پدران‌دستانه دستورهای آمرانه خود را به نظام تشیع اعلام داشته و لذا معمولاً نهی یا امر این رهبر با ارائه دلیل و تبیین همراه است و این از تفاوت‌های اصلی رهبری آمرانه در تئوری‌های رهبری و سبک رهبری خاص ایشان است.

به‌علاوه امام باقر(ع) تنها از این روش در رهبری بهره نمی‌برند بلکه بخشی از نظام رهبری ایشان در سیستم تشیع این‌گونه است.

۲- از روش‌های رهبری امام باقر(ع) سبک متقاعد کننده ایشان در مدیریت امور و برخورد با پیروان و حتی مخالفین خارج از سیستم تشیع است. در این روش امام با بینش و دانش و صفات اخلاقی ارزشمندی نظیر بردباری و صبر، رهبری مردم را پی می‌گرفت. مثالی از نحوه ورود یک فرد به نظام تشیع با این سبک رهبری حضرت، قابل توجه است: مردی از اهل کتاب به این رهبر هجوم آورد و او را با سخنانی متهم کرد. تو بقره هستی! امام با ملاطفت و چهره‌ای خندان به او گفتند: نه من باقر هستم. مرد گفت: تو فرزند زن آشپز هستی! امام با تبسم فرمودند: این شغل او بوده است. مرد گفت: تو فرزند زنی سیاه‌رنگ و هرزه‌بوده‌ای! امام با ملاطفت فرمودند: اگر تو راست می‌گویی خداوند آن زن را ببخشد و اگر تو دروغ می‌گویی خداوند تو را ببخشد. مرد از اخلاق امام متعجب و شیفته آن شد و در همان مجلس اسلام آورد و طریق اهل بیت را پیش گرفت (خوارزمی، ۱۴۱۴، ج ۴، ۲۲۴).

نمونه‌ای دیگر از سبک رهبری متقاعد کننده هنگامی است که عبدالملک در ارتباط با کفار دچار معضلی حکومتی می‌شود و از ایشان استمداد می‌طلبد. زمانی که سکه‌های ممالک اسلامی با حاشیه‌های نصرانی رومی مزین به کلمات پدر، پسر و روح القدس شده بود. پادشاه روم با تغییر حاشیه‌ها در ممالک اسلامی به شدت مخالفت نمود و از عبدالملک خواست که آن‌را به حال اول برگرداند که در غیر این صورت بر روی سکه‌ها دشنام به پیامبر اسلام را نقش می‌زند. امام در این هنگام، بهترین رهبر و هدایت‌کننده این معضل به سوی صلاح بود و در نتیجه عبدالملک مشکل سیاسی خود را با ایشان مطرح نمود. امام رهبری اقناعی خود را اعمال نموده و به او فرمودند:

کارها را دشوار نگیر. نظر من این است که از اهل فن بخواهی برایت درهم و دینارهای بسیاری بسازند که بر یک طرف آن شعار توحید و بر طرف دیگر آن محمد رسول الله نقش ببندد و بر مدار آن نام شهری که سکه در آن ساخته شده و تاریخ ساخت آن نوشته شود. سپس درباره برخی خصوصیات دیگر سکه رهنمودهایی ارائه دادند و به عبدالملک فرمودند از مردم بخواه که از این به بعد با این سکه‌ها معامله کنند و مبادله اقتصادی با سکه‌های رومی را

ممنوع و دارای مجازات اعلام نماید. این کار انجام شد و در نتیجه پادشاه روم با دیدن رواج سکه‌های اسلامی از عملی کردن تهدید خود منصرف شد.

۳- نمونه‌ای از سبک رهبری مشارکتی امام باقر(ع) نیز در آنجا که اعضای نظام تشیع را به همراهی خود فرا می‌خواندند قابل تبیین است. ایشان از مردم نظام یا شیعیان خواستار یاری رساندن رهبر حتی با بیان خود، بودند (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۱۳۵) و حقوق مردم، از جمله حق مردم بر والی در تقسیم مساوات بیت‌المال و رفتار به عدل و داد در میان زیردستان خود را معرفی می‌کردند (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۲۷، ۲۴۴). ایشان اصلاح در میان مردم را لازم و در درجه اول منوط به اصلاح حاکمان و فقیهان می‌دانند (صدوق، الخصال، ۱۳۸۷، ج ۱، ۶۵).

امام باقر(ع) در رهبری سیاسی خود اگرچه به حکم الهی برای انتصابش مفتخر است اما برای نقش و حضور مردم یا اعضای نظام تشیع زیر بیرق امامت، اهمیت ویژه‌ای قائل است. در این سبک رهبری مردم در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی عمل خود را به قرآن عرضه می‌دارند (مستدرک الوسائل، ج ۱، ۴۶۰). تقوا و اطاعت از خداوند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۷۴)، از خود گذشتگی مردم در راه ولایت، عشق ورزیدن به یکدیگر در مسیر مودت اهل بیت (رهبر)، فراهم کردن خیر و برکت برای همدیگر، ایجاد امنیت برای همراهان، عدم ارتباط با آنهایی که کینه به اهل بیت دارند و عدم ستایش دشمنان اهل بیت (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۶۵، ۱۶۸)، عدم سوء استفاده از قدرت (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۲۳۴)، از تجلیات نقش امت اسلامی و حضور نظام‌مند تشیع در زیر لوای رهبری امام باقر(ع) و استفاده سبک رهبری مشارکتی ایشان است.

۴- سبک رهبری از طریق تفویض اختیارات توسط امام باقر(ع) با تأکید بر این مسأله مطرح می‌شود که، حتی در مقاطع زمانی کوتاه در ولایت و رهبری سیاسی مسلمانان هیچ گونه تفویض اختیاری در سبک رهبری ایشان مشاهده نمی‌شود و این در نظام تشیع آن عصر به خوبی نهادینه شده بود. عدم پذیرش ولایت سیاسی ائمه آن‌هم در میان مسلمانان، آثار سویی داشت. این مسلمانان به گوسفند متحیری که در بیابان‌ها گم شده تشبیه شده‌اند که هر چوپانی به او بانگ می‌زند که به گله خود برگردد و او هم راهش را گم کرده است، در این زمان گرگ شکار او را غنیمت می‌شمارد و او را می‌خورد. پس در این حالت او به کفر و نفاق مرده است (محاسن، ۹۳ و ۹۲). در نتیجه از منظر امام باقر(ع) خداوند عمل بنده‌ای را که به ولایت ائمه

شک کند نمی‌پذیرد (الامالی للمفید، ۲/۳). ایشان تأکید فراوانی نسبت به حق تفویض‌ناپذیر ولایت اهل بیت داشتند و در ضمن آن به گونه صریح یا تلویحی از همراهی و پذیرفتن حکومت طاغوت در هر شرایطی اعلام برائت می‌نمودند.

از منظر ایشان هرگز زمین خالی از ولایت نبوده است اما این ولایت یا در مقابل دیدگان انسان‌هاست و یا چون امامت مهدی موعود (ع) در حضور و غیبت است (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۲۳، ۲۳) و تنها به این سنت حضور ولی در هر زمان است که حجت خداوند بر خلقش تمام می‌شود (همان، ۳۰) و به آن است که زمین بار ساکنان خود را به دوش می‌کشد (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۱۷۹) و عذاب از زمینیان بر داشته می‌شود (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۲۳، ۱۹).

اگر چه در سبک رهبری امام باقر (ع) تقیه برای حفظ خون‌ها لازم بود اما اگر خونریزی صورت می‌گرفت دیگر جایی برای تقیه نمی‌دیدند. ایشان وقتی که برادرشان زید بن علی قصد خروج بر هشام بن عبدالملک را داشتند به صورت تلویحی مردم و گروه پیروان خود را به یاری او فرا خواندند و از مبارزه با زید بر حذر داشتند (خوارزمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۱۱۳) و می‌فرمودند: اگر برای یاری امام به شمار اهل بدر، سیصد و سیزده تن گرد آیند بر او واجب است که قیام کند و اوضاع را تغییر دهد (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۱۰۰، ۴۹). امام در مقابل فساد و بی‌عدالتی خلفا می‌فرمودند: "مالی که از دزدی بیت المال و ربا و خیانت و دزدی بدست آید در زکات و حج و عمره پذیرفته نمی‌شود" (امالی صدوق، ۳۵۹) و اجر موعظه حاکم ستمگر را برابر با اجر ثقلین (انس و جن) و عملی مطابق با عمل انس و جان می‌دانستند (حکیم، ۱۳۷۵، ۱۸۰) لذا حاکمان را به تقوای الهی سفارش می‌نمودند. چنین شیوه رهبری، خود برانگیزنده نوع اندیشه سیاسی و رفتار اجتماعی خاصی در نظام تشیع در قبال حکومت و نظام سیاسی مطلوب و رهبری آن بود.

ج) شاخصه‌های اخلاقی شیعیان در آن عصر و نقش آن در شیوه رهبری نظام تشیع

اصلی‌ترین شاخصه رفتاری شیعیان در عصر رهبری امام باقر(ع) مانند دوران دیگر ائمه، پذیرش رهبری یا ولایت‌پذیری ایشان است. ولایت به عنوان یکی از پنج رکن اساسی در اسلام اما از مهم‌ترین این ارکان در آرای نظام شیعه نهادینه شده بود تا آنجا که پذیرفتن بقیه ارکان منوط به قبول آن می‌شود (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۱۸). این حکم در مبحث شاخصه‌های رفتاری شیعه از

چند جهت دارای اهمیت بود: یکی این که نشان می‌داد ولایت در اصل، وجود داشته و امری جدید نبود. دیگر این که ولایت خود رکن اصلی اسلام و با دیگر ارکان اسلام گره خورده است و نمی‌توان مثلاً حکم نماز را اتخاذ کرد و از حکم مربوط به ولایت به هر دلیلی صرف نظر نمود، زیرا ولایت کامل کننده فرایض است (همان، ج ۱، ۲۸۹) و این که از جهت اولویت زمانی و ارزشی نمی‌توان چیزی را بر ولایت در ایمان و عمل به اسلام مقدم نمود. پس در نظام تشیع و از منظر پیروان امام باقر(ع)، ولایت‌پذیری کلید ارکان اسلام و صاحب ولایت راهنمای این ارکان است (همان، ج ۲، ۱۸).

اگرچه ولایت‌پذیری شاخصه مهم افراد شیعه محسوب می‌شد اما این معرفت نه جاهلانیه و نه براساس برخی نظریه‌های رهبری کاریزما یا از خوف و غلبه، بلکه از طریق شناخت صدق امام باقر(ع) به عنوان رهبر، از سوی شیعیان یا پیروانش بود. زیرا در نظام آموزشی تشیع مسأله شناخت امامت حتی مجرای شناخت خداوند نیز هست (همان، ج ۱، ۱۸۸). از سوی دیگر در این نظام این‌طور جا افتاده بود که اگر کسی امام را ننشاند به مانند کسی است که در تاریکی‌هاست و از آن خارج نمی‌شود (همان، ۱۸۵) و این از قرآن که منبع قانونی اصلی و مکتوب نظام تشیع در آن عصر بود اتخاذ شده بود و اشاره به آیه کریمه «کمن مثله فی الظلمات لیس به خارج منها» (انعام/ ۱۲۲) داشت.

در عرصه عمل نیز امام باقر(ع) پرورش روحی و رفتاری تمام افراد و شیعیان تحت رهبری خود را به عهده داشتند اما از میان آنها تعدادی از شاگردان برجسته حضرت به صورت نخبه یا خواص توانسته بودند از نظام تشیع آن عصر الگو وار برخیزند و به تنهایی رهبری گروه قابل توجهی از نظام تشیع را در حیطه اختیارات خود و مسئولیت تفویض شده از سوی امام، بر عهده بگیرند. در مورد تعداد این گروه زبده و یاران علمی-مدیریتی رهبر، اقوال مختلفی ذکر شده است: برخی این عده را بیش از سیصد نفر ذکر کرده‌اند که صد نفر آنها اهل تألیف بوده‌اند، ۴۶۷ نفر از شاگردان ایشان از امام نقل حدیث نموده‌اند (رجال طوسی، ۱۰۲)، همچنین آورده‌اند که ۵۰۰ تن از شاگردان امام باقر(ع) فقیه، محدث، مفسر و مؤلف بوده و شخصیت فوق‌العاده‌ای داشته‌اند (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ۶۹). درباره تعداد شاگردان برجسته امام باقر(ع) و امام صادق(ع) تا شش هزار نفر هم نوشته‌اند (اعیان الشیعه، ج ۵، ۱۹۴).

د) اوضاع سیاسی - اجتماعی نظام تشیع و نقش آن در شیوه رهبری امام باقر (ع)

اوضاع سیاسی نظام تشیع در عصر امام باقر(ع) مصادف با محدودیت‌های ویژه حکومت طاغوت برای تئوری‌پردازی‌های سیاسی بود اما شرایط موجود، امام را از بیان آرای سیاسی خویش منصرف نکردند. بعد از شهادت امام سجاد(ع) ایشان از ماه محرم سال ۹۵ هجری قمری به مدت حدود ۱۹ سال امامت و رهبری عقیدتی- سیاسی مسلمانان را عهده‌دار بودند. در این مدت پنج حاکم اموی خود را بر مسند خلافت قرار دادند: ولیدبن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک؛ که از میان آنها فقط عمر بن عبدالعزیز تا حدودی احوال امام و شیعیان علوی را مراعات نمود و اقداماتی از قبیل پس دادن فدک حق فاطمه زهرا (س) به علویان و ممنوعیت لعن بر امام علی (ع) و ... را انجام دادند.

حیات امام باقر(ع) مصادف با حوادث متعددی بود که در سلسله مصائب رهبران معصوم و اهل بیت عصمت در طول تاریخ بشریت ثبت شد و شرایط ویژه‌ای را برای انتخاب سبک رهبری ایشان مهیا نمود: از جمله فاجعه عاشورا و کشته شدن جدّ مظلوم‌شان امام حسین(ع) و یارانش، اسارت اهل بیت و خود حضرت در کودکی و محنت‌های دیگری که در این واقعه بر ایشان گذشت. واقعه حرّه که در سال ۶۳ هجری رخ داد و طی آن بزرگان مدینه پیمان با یزید را شکستند، شورش کردند و یزید هم سه روز مدینه را بر سپاهیان خود مباح کرد تا بر اساس رسوم جاهلی قتل و غارت و تعرض انجام دهند. بعلاوه در دوران رهبری ایشان انحرافات فکری جدیدی مثل عقاید جبر و تفویض و ارجاء و ... شکل گرفته بود (حکیم، ۱۳۷۵، ۶۶)؛ تبدیل خلافت رسول الله به پادشاهی موروثی؛ دشمنی شدید با علویان؛ نهضت‌های مسلحانه ضد حکومت اموی بعد از کربلا مانند: قیام توابین، قیام مختار، قیام زبیریان، قیام مطرف بن مغیره بن شعبه، تمرّد عبد الرحمان بن محمد بن اشعث (همان، ۶۷) و تلاش برای جعل احادیث و فساد حکام از دیگر شاخصه‌های آن عصر بود.

بهترین توصیف از شرایط بیرونی دوران رهبری امام باقر(ع) را از زبان خودشان می‌توان دریافت. ایشان در جواب کسی که جوای احوال حضرت می‌شوند می‌فرمایند: آیا وقت آن نرسیده که بدانی ما در چه موقعیتی هستیم؟ داستان ما در این امت مثل داستان بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسران آنها را می‌کشتند و زنان آنها را نگه می‌داشتند. آری آگاه باشید اینان

(بنی امیه) پسران و مردان ما را می‌کشند و زنان ما را نگه می‌دارند. در ادامه این سخن فرد سؤال کننده می‌گوید: به خداوند قسم من خاندان شما را دوست دارم. امام می‌فرماید: پس بر تن خویش لباسی از بلا و ناگواری‌ها بپوشان. به خدا قسم رنجها و ناگواری‌ها شتابان‌تر از سیل دره‌ها به سوی ما و شیعیان ما پیش می‌تازد. نخست مشکلات به ما می‌رسد و سپس به شما، و اگر آسایشی در پیش باشد نخست در مورد ما خواهد بود و سپس برای شما (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۴۶، ۳۶۰).

وجود این شرایط در تبیین ساختار نظام تشیع و تعیین رهبری آن حضرت در مقاطع خاص نقش داشته است که نمایان‌گر برخی وجوه تمایز در نوع رهبری ایشان نسبت به برخی شیوه‌های رهبری اجداد طاهرین و فرزندان صالح حضرت، از ائمه اطهار می‌باشد. جوهی مانند صبر و تقیه حضرت در برابر حکومت طاغوت، تلاش گسترده بر نشر دانش و تربیت شاگردان بسیار، اعلام حق منحصر اهل بیت در بدست داشتن حکومت مسلمانان در هر فرصت ممکن، تلاش برای سازماندهی نظام‌مند تشیع.

نتیجه

امام باقر(ع) از طریق صفات شخصی خود، خصوصیات خلقی شیعیان و موقعیت خاص تشیع در آن عصر؛ رهبری نظام تشیع را اعمال می‌کردند.

در نظریه‌های رهبری دانستیم که برخی موفقیت سبک رهبری را با شاخصه‌های فردی و ویژگی‌های ذاتی یا اکتسابی رهبر و یا خصوصیات رفتاری او مرتبط می‌دانستند و عده‌ای هم نقش گروه رهبری شونده و شاخصه‌های اخلاقی آنها را در سبک رهبری بهینه، اصل می‌دانند و در نهایت کامل‌ترین این نظریه‌ها به اهمیت سه موضوع صفات شخصی و رفتاری رهبر، خصوصیات خلقی پیروانش و موقعیتی که رهبری در آن صورت می‌گیرد به صورت توأم برای تبیین سبک رهبری بهینه تأکید دارد.

در حالی که نظریه پردازان غرب شاخصه‌هایی چون عصمت و علم لدنی (که خود ریشه در الهی بودن رهبری دارد) را جزء معیارهای شخص رهبر نمی‌دانند، در سبک رهبری امام باقر(ع)، این شاخصه‌ها مبنای رهبری است و بعد از آن قد، وزن، سلامتی مزاج و قیافه، از ویژگی‌های جسمانی و اوصافی چون اعتماد به نفس، اخلاق اجتماعی، اراده قوی، تفوق و تموّج شخصیت

نیز در ایشان موجود و در سبک رهبری حضرت نقش دارد. حتی نحوه رهبری آمرانه ایشان، از باب خیرخواهی و پدران و معمولاً نهی یا امرشان با ارائه دلیل و تبیین همراه است. از طرفی در مبحث موقعیت نیز در حالی که نظریه‌های موجود رهبری موقعیت درونی سیستم رهبری را اصل قرار می‌دهند، در سبک رهبری امام باقر(ع) علاوه بر وضعیت نظام تشیع، موقعیت بیرون از نظام تشیع (امت اسلام و بشریت و مسائل مرتبط با آنها) نیز با نحوه رهبری ایشان در هم تنیده است. در نتیجه به نظر می‌رسد جایگزینی واژه «ولایت» به جای «رهبری»، در تبیین سبک رهبری امام باقر(ع) مناسب باشد.

ولایت، رهبری سیاسی را شامل می‌شود اما منحصر به آن نیست بلکه معنایی عمیق و گسترده وسیع‌تری را دارد. امام باقر(ع) رهبری سیاسی و دینی را با هم به عهده دارد و این خود سبک ویژه‌ای را می‌طلبد که ما نام آن را سبک «ولایت» به معنای «سرپرستی» می‌گذاریم. در این سبک ایشان، علاوه بر آنچه در سطور و صفحات پیشین ذکر شد، از ابعاد ولایت تشریحی (اذن الهی)، ولایت تشریح (استفاده از قانون و نظام الهی) و ولایت تکوینی (قدرت تصرف در جهان هستی) در رهبری نظام تشیع استفاده می‌نمایند.

در نهایت می‌توان اصول رهبری امام باقر(ع) را بر نظام تشیع این‌گونه برشمرد:
- از منظر واژگان و معانی، ولایت سیاسی با استفاده از جنبه تشریح و تکوین آن کامل‌تر است به جای صرف رهبری.

- صفات جسمانی امام باقر (ع) کامل و شایسته ولایت یا رهبری سیاسی است.
- خصائل رفتاری با استناد به دو شاخصه عصمت و علم لدنی و دیگر شاخصه‌های برجسته نظیر شجاعت، علاقه و دلسوزی نسبت به مردم، اخلاص، نیکوکاری و احسان درباره دیگران، نرمش، حسن خلق، امانت داری، صدق گفتار، پایبند بودن به پیمانها، توکل مطلق بر خداوند و ... از شاخصه‌های ممتاز رهبری سیاسی ایشان محسوب می‌شود.

- سبک رهبری تفویضی؛ در اصل رهبری ایشان از سوی خداوند، متعین و غیر قابل تفویض است اما در زیر مجموعه‌های ولایت، از جنبه‌های مختلف علمی و فرهنگی و ... یاران و شاگردان حضرت در مناطق و درجات مختلف ایفای مسئولیت می‌نمودند.

- در مورد دیگر سبک‌های رهبری: انواع رهبری متقاعد کننده، مشارکتی، آمرانه اما پدران و بارئه دلیل و تبیین در اکثر اوقات، در شیوه رهبری امام باقر(ع) وجود دارد.

فهرست منابع

- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۲ ه ق.
- اقتداری، علی محمد، سازمان و مدیریت سیستم و رفتار سازمانی، تهران: نشر دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۳۷.
- الطالب، هاشم، مدیریت و رهبری در شکل‌های اسلامی، ترجمه سید علی محمد رفیعی، تهران: قطره، ۱۳۸۰.
- البرقی، احمدبن خالد، محاسن، تحقیق: سید جلال الدین الحسینی، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۳۰.
- بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، ج ۸، تهران: مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۶.
- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم: اسراء، ۱۳۸۷.
- حرعاملی، شیخ محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۹، قم: تحقیق: مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۱۱ ه ق.
- حکیم، منذر و سید شهاب الدین حسینی، پیشوایان هدایت، ترجمه کاظم حاتمی طبری، ج ۱، قم: مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۷۵.
- خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ج ۱، تهران: نشر دوستان و ناهید، ۱۳۷۷.
- خوارزمی، الموفق، المناقب، تحقیق: مالک المحمودی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۳، ۱۴۱۴ ه ق.
- خورشیدی، عباس، مدیریت و رهبری آموزشی، ج ۱، تهران: نشر یسپرون، ۱۳۸۲.
- رضائیان، علی، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سمت، ۱۳۷۹.

- سجادی، سیدجعفر، **فرهنگ معارف المعاریف**، چ ۱، تهران: کومش، ۱۳۷۳.
- شیخ صدوق، **الامالی**، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، چ ۲، لبنان: دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه ق.
- _____، **الخصال**، ترجمه صادق حسنزاده، ج ۱، چ ۳، بی جا: ارمغان طوبی، ۱۳۸۷.
- طلوعی، محمود، **فرهنگ علوم سیاسی**، چ ۱، تهران: علم و سخن، ۱۳۸۲.
- الكلینی الرازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، **الكافی**، الطبعة الثالث، تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه ق.
- مكارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن**، ج ۹، چ ۳، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۵.
- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، تهران: چاپخانه اسلامیه، ۱۳۸۸ ه ق.
- مطهری، مرتضی، **امامت و رهبری**، چ ۲۷، قم: صدرا، ۱۳۸۱.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.